



یادداشت

"هفته کارگر" بنام کارگر به کام حکومت و سرمایه دار!

صادق کار



خبرگزاری "ایلنا" در روز چهارشنبه ۵ اردیبهشت، رئوس برنامه‌های "خانه کارگر" به مناسبت (هفته کارگر) را منتشر کرده است. خانه کارگر و حکومت به لحاظ التفات فوق‌العاده‌ای که به کارگر و حقوق کارگر دارند و آن را در ۴۰ سال گذشته در عمل نشان داده‌اند، همه‌ساله بجای یک روز یک هفته مراسم برای کارگر برگزار می‌کنند. وضعیت فلاکت‌بار امروزه طبقه کارگر گویا نتیجه همین التفات به کارگران و یا بقول خودشان "مستضعفان" و حمایت‌هایی است که خانه کارگر جمهوری اسلامی از کارگران نموده است.

باوجود این‌همه لطف و عنایات حکومت و کارگزارانش در امورات کارگری به کارگران، معلوم نیست که چرا با گذشت ۴۰ سال تجلیل و تکریم‌های این‌چنینی کارگران از لحاظ معیشتی و اجتماعی این‌همه پس رفته‌اند و گرفتار چنان معضلاتی شده‌اند که در زمان "طاغوت" هم نظیرش را ندیده‌اند؟

اما ببینیم در (هفته کارگر) امسال تحفه آن‌ها به‌غیراز سرکوب و زندان و فقر و بی حقوقی برای کارگران چیست؟

به گزارش خبرنگار "ایلنا" برنامه‌های هفته کارگر روز پنجشنبه، ۵ اردیبهشت شروع و در ۱۱ اردیبهشت با راهپیمایی در تهران و ملاقات با نمایندگان کارفرمایی پایان می‌یابد. مهم‌ترین اقداماتی که قرار است در این مدت انجام شوند عبارت‌اند از، «کارگران، تجدید میثاق با آرمان‌های امام و رهبری، گام دوم انقلاب»، «دومین مسابقه قرآنی جامعه کارگری»، «حضور در گلزار شهدای کارگری»، «کارگران، جوانان، معنویت، ورزش و امنیت شغلی»، «حضور کارگران در نمازهای جمعه سراسر کشور» و «پیاده‌روی خانوادگی کارگران» و برنامه جنبی «همایش کارگران قراردادی و پیمانکاری». «کارگران، فرهنگ کار، ایمنی، مهارت و تولید دانش‌بنیان» با برنامه اصلی «همایش سازمان فنی و حرفه‌ای»، «نشست علمی مقدمه‌ای بر بیانیه گام دوم»، کارگران، کارفرمایان و مسئولیت اجتماعی، «اهدا گل به کارگران» " و در روز ۱۱ اردیبهشت هم راهپیمایی قرار است برگزار شود. آن‌طور که گفته‌شده بخشی از این اقدامات هم، جنبی هستند.

به عبارتی در این هفته که بنام کارگر نام‌گذاری شده است، کارگران یا باید کارهایی انجام دهند که ربط چندانی به آن‌ها ندارد، یا برای تجلیل به خدمت کسانی شرفیاب شوند که هیچ حق و حقوقی برایشان قائل نیستند و دستمزدی به آن‌ها می‌دهند که آن‌ها را نیمه گرسنه نگه می‌دارد و اگر اعتراضی هم بکنند سروکارشان با زندان و شکنجه است. به‌این‌ترتیب و بامهارت تمام و کمال روز کارگر را تبدیل به هفته کارگر و تجلیل از عوامل فقر و بی حقوقی کارگران بجای دادن فرصت اعتراض به کارگر می‌کنند!

در این برنامه نه خبری از افزایش دستمزد و تورم و گرانی ست، نه از حق تشکل و رهبران زندانی‌شان و نه دیگر مطالبات کارگران. و آن‌چنان‌که از سیگنال‌های گزارشات قبلی‌شان برمی‌آید قرار است این مراسم‌ها به خاطر نگرانی از تبدیل آن‌ها از نمایش‌های توخالی به تظاهرات اعتراضی به شکلی برگزار شوند که غیر از "خودی‌ها" کس دیگری نتواند در آن شرکت کند. به همین جهت حتی برای شرکت در راهپیمایی خانوادگی کارت مخصوص صادر کرده‌اند.

این‌گونه مراسم فرمایشی البته تازگی ندارد از سال ۶۰ به بعد که آخرین تظاهرات روز جهانی کارگر با شرکت بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر در میدان آزادی تهران برگزار شد و به خون کشیده شد، دیگر هرگز به کارگران اجازه تظاهرات خیابانی ندادند و هرگاه هم کارگران خواستند تظاهرات کنند قبل از آغاز حرکت به آن‌ها حمله کردند و شرکت‌کنندگان در آن‌ها را بازداشت و مجازات کردند. تنها در زمان ریاست جمهوری خاتمی دو سال به هیئت مؤسسان سندیکایی اجازه دادند مراسم‌هایی را در تالارها برگزار کنند. در زمان احمدی‌نژاد به‌واسطه اختلافات جناح‌های حکومتی حتی به خانه کارگر هم اجازه ندادند مراسم تشریفاتی‌اش را که هر ساله داشت برگزار کند.



در اول ماه مه ۵۸ که هنوز نتوانسته بودند مراسم روز کارگر را ممنوع کنند، صدها هزار نفر تنها در تظاهراتی که در تهران برگزار شد راهپیمایی کردند. این‌ها حاکی از علاقه و آگاهی کارگران نسبت به روز جهانی کارگر و اهمیتی است که برای آن قائل‌اند.

تعدادی از اعتصابات مهم و تاریخی کارگران در روزهای کارگر سال‌های مختلف و یا حول‌وحوش آن‌ها برگزار شده‌اند. روز کارگر در ایران حدود سه دهه بعد از انتخاب این روز در سال ۱۸۸۹ در "کنگره کارگری" پاریس و ۹۸ سال پیش توسط "شورای متحده اتحادیه کارگری" برگزار شد. درخواست ۸ ساعت کار یعنی همان عاملی که نخستین هدف بنیان‌گذاران روز کارگر بوده است و یک‌رشته مطالبات دیگر مانند افزایش دستمزد، در این روز درخواست و مبارزه برای عملی کردنشان آغاز شد. اما در سال‌های پس از انقلاب و سرکوب سازمان‌های کارگری مبارز و پیگیر، رژیم اسلامی با همدستی خانه کارگر تلاش نموده روز کارگر را از محتوا تهی و تمام دستاوردهای جنبش کارگری را از میان بردارد. برگزاری این‌گونه روز کارگر نه تنها نفعی برای کارگران ندارد، بلکه به محملی در دست حکومت علیه حقوق کارگران تبدیل گردیده است. روز کارگر امسال نیز در شرایطی فرامی‌رسد که وضعیت کارگران به مراتب بدتر از سال گذشته است، رهبران واقعی سازمان‌های کارگری در زندان هستند و به کارگران اجازه برگزاری روز کارگر را نمی‌دهند. تشکلهای مستقل کارگری را آزاد نمی‌گذارند چون از قدرت تأثیرگذاری آن‌ها آگاه‌اند. هم حکومت و سرمایه‌داران و هم عواملشان در خانه کارگر دارند با سوءاستفاده از روز کارگر، به کارگران خیانت می‌کنند! اما این زمانه دیری نخواهد پایید. کارگران و فعالین کارگری غیر حکومتی اگر خیابان را از آن‌ها گرفته‌اند، ولی امروزه حداقل رسانه‌های اجتماعی را برای بردن پیامشان به میان جامعه و انجام اقدامات مشترک در اختیار دارند! این آن چیزی است که فعلاً نمی‌توانند آن را از ما بگیرند و اگر درست آن را بکار بگیریم به مراتب تأثیراتش از انجام یک یا چند مراسم پُرهزینه در چند خیابان و میدان زیر سانسور و سرکوب بسی بیشتر و بسیج‌گرایانه است! به امید همبستگی و اتحاد بیشتر میان کارگران و سازمان‌های کارگری. و تبریک روز جهانی کارگر به همه مبارزان طبقه کارگر و به ویژه کارگران و معلمان زندانی!



ازادی فعالیت سندیکیایی! حق اعتصاب! ازادی فعالین کارگری!
افزایش دستمزد!
گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

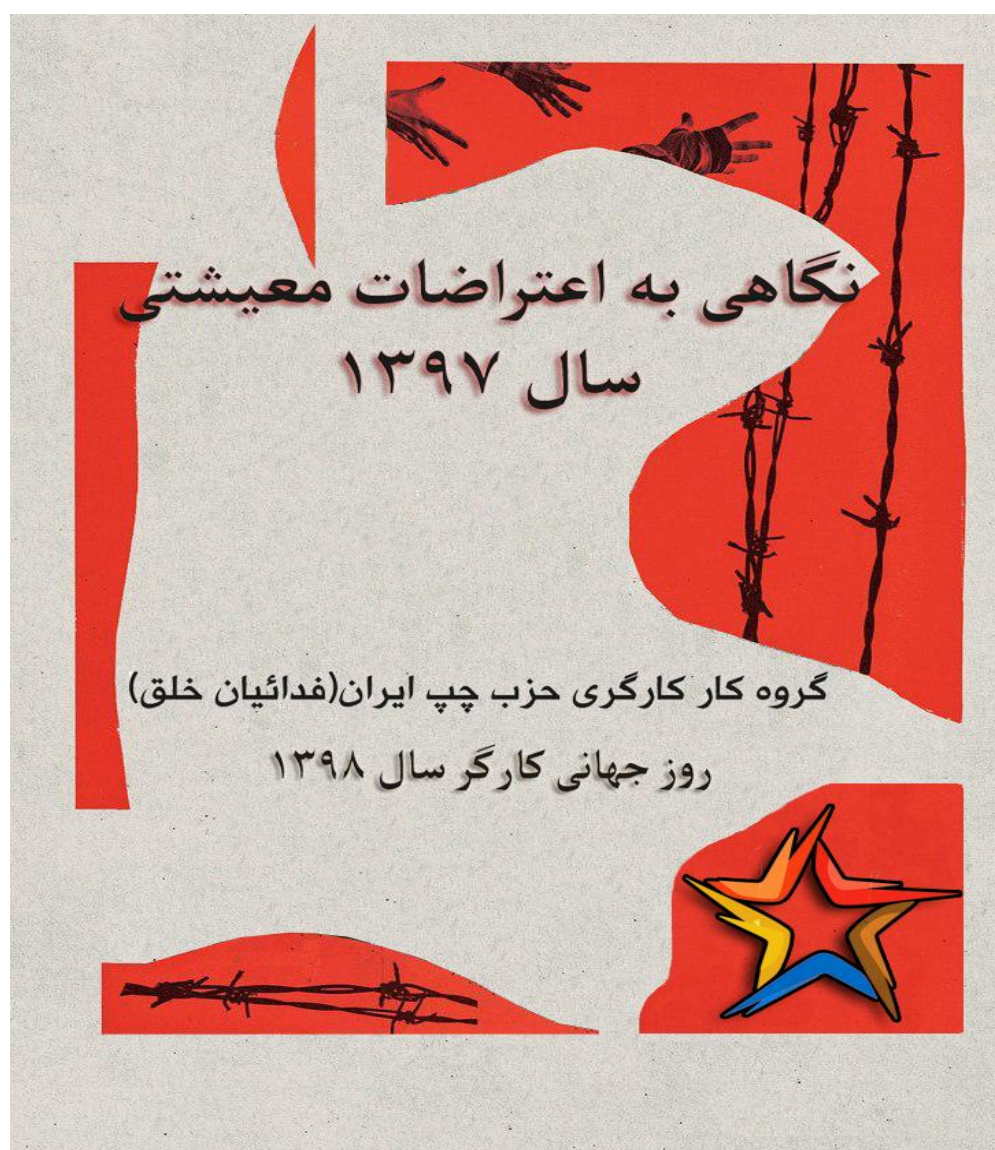
**بازداشت فعالین کارگری و ایجاد دیگر اعمال سرکوبگرانه برای جلوگیری از
تظاهرات روز جهانی کارگر را محکوم کنیم!**



بزودی منتشر می شود:

نگاهی به اعتراضات معیشتی سال ۱۳۹۷ گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۸

ما در این مقاله ابتدا به زمینه‌های سیاسی و اقتصادی اعتراضات معیشتی سال ۱۳۹۷ خواهیم پرداخت. سپس به تفکیک استان‌ها، مشاغل، مطالبات و آشکال اعتراض، آماری از جزییات اعتراضات انجام‌شده در سال گذشته ارائه خواهیم داد. ضرورت چنین تحقیقی از این جهت است که زمینه‌های اعتراضی سال گذشته نه تنها مرتفع نگشته‌اند، بلکه تشدید شده‌اند.



مبارزه کارگران و مزدبگیران تا رسیدن به مطالباتشان ادامه دارد!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فراخوان ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به خاطر گرامیداشت روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۹۸) و در اعتراض به تعیین دستمزد زیر خط فقر، گرانی و تورم افسارگسیخته مایحتاج اولیه و معیشت کارگران، بازنشستگان و تمام مزدگیران، ممانعت از ایجاد سندیکا و دیگر تشکلهای مستقل کارگری، خصوصی سازی و پولی سازی آموزش و پرورش، قراردادهای سفید امضاء، تبعیض و نابرابری حقوق زن و مرد، افزایش بی رویه کودکان کار، بازداشت یا زندانی کردن کارگران و معلمان و دیگر فعالین صنفی که بخش عظیمی از کارگران و قشر فرودست جامعه را در برمی گیرد در مقابل مجلس (میدان بهارستان) تجمع برگزار می کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از تمام همکاران محترم اعم از رانندگان، کارگران تعمیرگاه ها، پرسنل اداری و خدماتی، کنترلین و بازنشسته ها درخواست دارد جهت برگزاری هر چه باشکوه تر روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) روز چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح در مقابل مجلس (بهارستان) حضور به هم رسانند.

گرامی باد اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

چهارم اردیبهشت ۹۸

*لینک کانال:

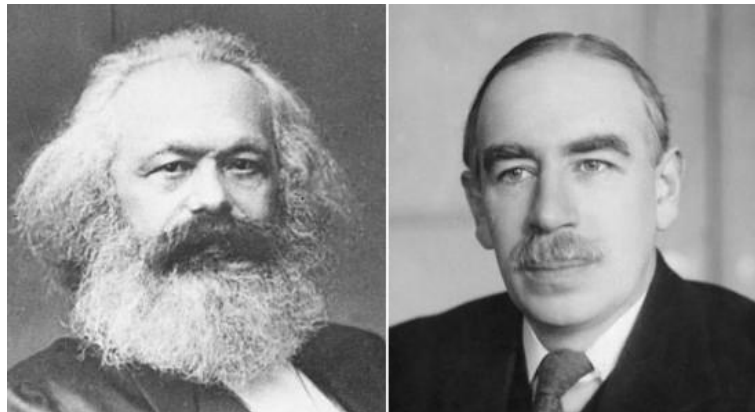
t.me/vahedsyndica (<https://t.me/vahedsyndica>)

در مراسم روز کارگر تشکلهای مستقل مقابل مجلس شرکت کنید!



بیم و امید در زمانه اتوماسیون انبوه: مباحثه در آینده کار (بخش اول)

دیوید اسپنسر



چکیده

چشم‌اندازهای بدیل اقتصادی و اقتصاد سیاسی امروزه در این باره توافق دارند که کار در اثر اتوماسیون انبوه در مسیر نابودی قرار گرفته است. برخی نگران آثار منفی این روند به صورت بیکاری توده گیر و نابرابری عمیق‌اند، در حالی که هستند دیگرانی که به این روند همچون فرصتی برای بسط وقت آزاد انسان‌ها می‌نگردند. نوشته حاضر به مقابله و نقد این دیدگاه‌ها برمی‌خیزد و با ارجاع به دیدگاه‌هایی که پیش‌تر توسط مارکس و کینز درباره آینده "بدون کار" عرضه شده‌اند، موانع سرسخت در جامعه سرمایه‌داری را برای کاستن از کار نشان می‌دهد. نوشته سپس این پرسش را پیش می‌کشد که آیا کار در اثر پیشرفت‌های تکنولوژیک کاهش خواهد یافت یا برعکس، علیرغم و درواقع به علت این پیشرفت‌ها و کاربرد گسترده تکنولوژی‌های جدید، همچنان باقی خواهد ماند. این نوشته تهدید کارگران از جانب تکنولوژی را مقدماً ناشی از افت کیفی کار می‌بیند و نه در نابودی کار. نوشته استدلال می‌کند که آینده بهتری برای کار و کارگران نهایتاً درگرو تغییرات وسیع در مالکیت است.

مقدمه

پیش‌بینی درباره نابودی کار الآن دیگر نه فقط یک موضوع آکادمیک بلکه به گفتمانی عمومی تبدیل شده است. در این گفتمان، زیر تأثیر چندین تحقیق تجربی وزین، موضوع پیشرفت مداوم و شتابنده تکنولوژی‌های دیجیتالی و رباتی، و عواقب این پیشرفت در امحای کار برجسته شده است. پیش‌بینی شده است که در آینده بسیاری از وظایف کاری – یا شاید بیشترین آنها – تماماً اتوماتیزه خواهند شد. بر این اساس به نظر می‌رسد که تعداد بسیاری از کارگران چیزی جز یک زندگی بدون کار در پیش رو نخواهند داشت.

برای برخی از محققان امکان نابودی کار موجبی برای بیم و نگرانی است؛ ازجمله به علت بیکاری گسترده و نابرابری عمیق. استدلال می‌شود که جامعه باید دست به رفرم‌هایی در حمایت از کارگران، حتی در زمانی که دیگر کار محو شده است، بزند. رفرم‌های پیشنهادی از بازآموزی و تجدید مهارت کارگران تا تأمین درآمد پایه برای همگان را شامل می‌شوند. و البته هستند دیگرانی هم که به چشم‌انداز آینده‌ای بدون کار خوشامد می‌گویند. بعضی صدهای رادیکال، به استقبال اتوماسیون انبوه به عنوان نقشه راهی به اتوپای "پساکار" می‌شتابند. آنها خواهان برنامه‌ای برای "اتوماسیون کامل" اند و چشم به آینده‌ای دارند که در آن کار وجود ندارد.

نوشته حاضر ملاحظات انتقادی را، پیرامون اتوماسیون و آینده کار، در مباحثه حاضر وارد می‌کند. این مباحثه از زمره مباحثاتی است که در آن چشم‌اندازهای بدیل در عرصه اقتصاد و اقتصاد سیاسی با هم درگیر شده‌اند و از این بابت که هم توافقات و هم اختلاف نظرات در حال شکل‌گیری را آشکار می‌کند، دارای جذابیت خاصی است. این نوشته خاصه به این نکته می‌پردازد که چگونه ایده نابودی کار توجه محققان را در میان طیف روشنفکران و سیاست‌ورزان تسخیر کرده است و این‌که چگونه این ایده منشأ دیدگاه‌های گوناگونی درباره آینده‌ای شده که در آن اتوماسیون به خدمت نابودی کار درآمده است. بر بستر همین ایده، دیدگاه‌های رقیبی درباره نقش کار در زندگی انسان و مطلوب بودن جامعه‌ای که در آن کار وجود ندارد، قد علم کرده‌اند. این نوشته برخی از مواضع اصلی در دور اخیر از مباحثه پیرامون اتوماسیون را طرح می‌کند و نارسائی‌های موجود در این مواضع را نشان می‌دهد. اگرچه نوشته در نهایت با دیدگاه اتوپایی دایر بر کاربرد اتوماسیون برای دستیابی به کار کمتر اما بهتر همدلی دارد، موانع تحقق این دیدگاه را نیز به دست می‌دهد و به نوبه خود بر لزوم رفرم‌های اساسی در جامعه برای غلبه بر این موانع تأکید می‌کند. نوشته ایده "حل مسائل مربوط به کار فقط و فقط با اتوماسیون" را به نفع ایده‌ای که بر لزوم



تغییر در مالکیت تأکید دارد، رد می‌کند. استدلال‌ات و انتقادات این نوشته متوجه درک عمیق‌تر از ابعاد اقتصادی و سیاسی پیشرفت‌های تکنولوژیک‌اند، و نیز درک عمیق‌تر از امکان بهره‌گیری از تکنولوژی برای تأمین منافع عده‌ای بسیار و نه معدود.

این نوشته دارای بخش‌های زیر است: فصل دوم برخی پیش‌زمینه‌های تاریخی را درباره نگاه به اتوماسیون به‌عنوان مکانیسمی برای کاهش کار معرفی می‌کند. تأکید در این فصل بر نوشته‌های مارکس و کینز، دو موضع برجسته بدیل یکدیگر درباره امکان یک آینده اتوماتیزه شده "بدون کار" است. فصل سوم پیشرفت‌های حاصل در جامعه سرمایه‌داری برای کاستن از کار را شرح می‌دهد. این فصل کمک می‌کند تا برخی موانع سرسخت برای کاستن از کار را در جامعه سرمایه‌داری بشناسیم. فصل چهارم عرصه‌های توافق و تخالف را در مباحثات جاری درباره اتوماسیون ترسیم می‌کند. در این فصل نشان داده می‌شود که چگونه محققان بسیاری از مواضع روشنفکری و ایدئولوژیکی گوناگون اکنون به این توافق رسیده‌اند که کار به‌واقع با خطری جدی روبروست و این‌که اتوماسیون به آینده‌ای بدون کار تحقق خواهد بخشید؛ اگرچه که آنان درباره عواقب امحای کار برای کارگران و جامعه توافق نظر ندارند. این فصل با انتقاد از این مواضع آغاز می‌شود. زیرا از این نکته که کار، علیرغم و درواقع به علت پیشرفت‌ها و کاربرد گسترده تکنولوژیهای جدید، همچنان باقی خواهد ماند، غفلت می‌ورزند. کوشیده‌ام مستدل کنم که تهدید اصلی تکنولوژی متوجه کیفیت کار است و نه کمیت آن. فصل پنجم برخی از پاسخ‌های سیاست‌گذارانه رایج به اتوماسیون را، چه متعلق به جریان غالب و چه متعلق به مواضع رادیکال، معرفی و نقد کرده است. فصل ششم امکاناتی را به دست می‌دهد که می‌توانند برای مهار تکنولوژی برای نیل به کار کمتر اما بهتر به کار آیند. فصل هفتم نتایج را شامل می‌شود.



فراخوان یاری به سیل‌زدگان

از هم میهنان سیل زده حمایت کنیم!

حداقل دستمزد و مسایل مربوط به آن علی صمد



*تعیین حداقل دستمزد به چه معنا؟

تعیین حداقل دستمزد، یکی از چالش برانگیزترین موضوعات مطرح در حقوق کار است. حداقل دستمزد و مکانیسم‌های مربوط به آن در کشورهای عضو "سازمان بین‌المللی کار" می‌بایست طبق اساسنامه و مواد مندرج در مقاوله نامه‌های بنیادی سازمان مربوطه تنظیم شود. سازمان جهانی کار، معیارهایی را برای حداقل دستمزد پیشنهاد کرده است که کشورهای مختلف عضو متناسب با سیاست‌های اقتصادی خود تنها برخی از این معیارها را در تعیین حداقل دستمزد دخالت داده‌اند. در این زمینه در قانون کار جمهوری اسلامی تعریف روشن و شفافی از حداقل دستمزد نشده است اما در مورد روش‌های تعیین حداقل دستمزد و نحوه پرداخت آن پیش‌بینی‌هایی شده است.

حداقل دستمزد را می‌توان در اصل مبلغی دانست که در قبال انجام کار در مدت معین به کارگر پرداخت می‌شود و پرداخت آن منطقاً می‌بایست توسط قانون تضمین گردد. حداقل دستمزد باید کفاف معاش کارگر و خانواده وی را بدهد. طبق قوانین و مقررات سازمان بین‌المللی کار، دولت‌های عضو این سازمان می‌بایست در جهت حمایت از نیروی کار، به تعیین حداقل دستمزد و ساعات کار، ایجاد قوانین مربوط به کار، حفظ و ارتقای قدرت خرید و تأمین امنیت شغلی و نیز برای محیطی مناسب برای نیروی کار فعال جامعه حرکت و تلاش کنند.

کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار موظف هستند برابری دستمزد زن و مرد برای کار یکسان را رعایت کنند و هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی، ملیت یا... را لغو و ممنوع کنند.

درواقع هدف از تعیین حداقل دستمزد باید مبارزه با فقر و تأمین نیازهای کارگران و خانواده‌هایشان باشد. موضوع دستمزد آن‌قدر حائز اهمیت است که در موازین حقوق بشر نیز معیارهای مشخصی برای آن مدنظر قرار گرفته و مطابق آن‌ها هیچ دولتی نمی‌تواند معیارهای مربوطه را نادیده بگیرد. در بند سوم ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز در بند الف ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به موضوع حداقل دستمزد پرداخته‌شده و اصل برخورداری از دستمزد منصفانه که زندگی کارگر و خانواده‌اش را تأمین کند مورد تأکید قرار گرفته است.

*چگونگی تعیین حداقل دستمزد در ایران

تعیین حداقل دستمزد در ماده ۴۱ قانون کار و تبصره‌های آن معین گردیده، طبق این ماده شورای عالی کار هرساله حداقل مزد را بر اساس ماده ۴۱ قانون کار باید تعیین نماید. افزایش دستمزد مطابق قانون بایستی بر اساس نرخ تورم اعلام‌شده توسط بانک مرکزی و سید هزینه خانوار چهارنفره افزایش یابد. درواقع اجرای این قانون حتی اگر با در نظر داشت نرخ واقعی تورم هم صورت بگیرد تنها به ثابت ماندن ارزش دستمزد می‌انجامد و موجب افزایش واقعی آن نمی‌شود.

حداقل دستمزد بایستی در چنان سطحی تعیین شود که به قدرت خرید مزدگیران بینجامد. برای تعیین حداقل دستمزد ضرورت دارد که تعیین سطح حداقل مزد باهدف افزایش قدرت خرید و نه صرفاً جبران تورم افزوده‌شده و بر مبنای پژوهش دقیق و مذاکرات مستقیم میان اتحادیه‌های واقعی کارگری و کارفرمایی تعیین گردد.

بسیاری از فعالین و تشکلهای مستقل و آزاد کارگری و همچنین کارشناسان اقتصادی معتقدند که افزایش دستمزد با نرخ تورم همخوانی نداشته و ندارد. طی چند سال گذشته بارها نمایندگان از تشکلهای کارگری مطرح کرده‌اند که عدم افزایش واقعی دستمزد به کاهش قدرت خرید و وخیم‌تر شدن همه‌ساله وضعیت معیشتی کارگران منجر گردیده، چراکه هیچ‌گاه اصولاً افزایش مدنظر قرار نگرفته است. آن‌ها علل این وضعیت را مبنای قرار ندادن نرخ واقعی تورم و هزینه‌های خانوار و غیبت



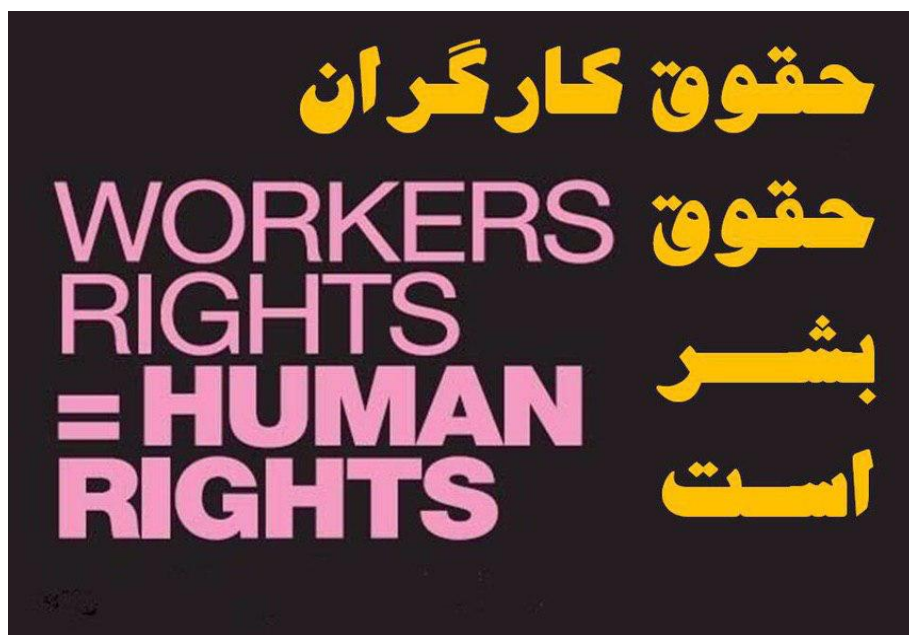
ناخواسته تشکلهای مستقل در مذاکرات مربوط به دستمزد و تبنای دولت و کارفرمایان می‌دانند.

خط فقر در ایران تعریف شده است. اگر آن‌طور که آمارهای رسمی ادعا می‌کنند خط فقر سه و نیم میلیون تومان باشد، حداقل دستمزد نیز به تبع آن نمی‌بایستی کمتر از این مبلغ باشد. این در حالی است که حداقل دستمزد در نظر گرفته شده در شورای عالی کار حتی کمتر از نصف خط فقر رسمی است. کارگران می‌خواهند دستمزدهایشان بر مبنای هزینه‌های واقعی زندگی و بالاتر از خط فقر باشد. خط فقر واقعی به مراتب بیش از آنی است که داده‌های رسمی می‌گویند.

دولت بر اساس مقایسه بهای بیش از ۳۰۰ قلم کالایی که ممکن است برخی از آن‌ها حتی یک‌بار هم در زندگی کارگران وارد نشود، نرخ تورم را اعلام می‌کند. درحالی‌که برای کارگران پیش از هر چیز، کنترل و مهار هزینه‌های خوراک، مسکن، تحصیل، بهداشت و درمان، پوشاک، حمل‌ونقل و نظایر آن، موضوع اقلام ۸ گانه سبد هزینه‌های زندگی از اهمیت اساسی و واقعی برخوردار است.

طرفداران برقراری حداقل دستمزد بر این باورند؛ دستمزد را نمی‌توان تنها بر اساس عرضه و تقاضا و دیگر شرایط حاکم بر بازار کار تعیین نمود. بلکه باید حداقل مزدی را که برای زندگی اجتماعی هر فرد با حفظ حداقل استانداردهای زندگی کافی باشد، بدون لحاظ نمودن میزان کارایی و مهارت وی، در نظر گرفت.

باین‌همه یکی از موارد اعتراضی کارگران همواره جدا از پایین بودن حداقل دستمزد، نبود ضمانتی برای پرداخت همان مبلغ اندک است. زیرا یکی از مهم‌ترین مسائل کارگران شاغل در ایران این است که دستمزدهایشان به موقع پرداخت نمی‌شود و آنان مجبورند به طرق مختلف اعتراض کنند تا بتوانند به حداقل دستمزدی که برای زندگی‌شان کافی هم نیست، دسترسی پیدا کنند. این یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مطالبات کارگران ایران است که موجب اعتراضات کارگری اخیر در ایران شده است.



از مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد مکفی و عادلانه حمایت کنیم!



اعتصاب کارگران تِکِل در ترکیه و آغازی نو برای مقاومت کارگری- بخش دوم

سونگور سیران، گولدوناوچگان مارس 2010

پروژه سوسیالیستی نشریه کارگر

ترجمه گودرز



کارگران علیه این اقدام قیام کردند، بعد از بسیج نیرو در پانزدهم دسامبر 2009 از بیست و یک حوزه کشور در آنکارا جمع شده و دست به راهپیمایی زدند. در چهارمین روز این اجتماع حمله گسترده و وحشیانه پلیس به آنها شروع شد و چهار هفته به طور مداوم در مقابل ساختمان کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری (Turk-Is) که اتحادیه آنها هم به آن وابسته بود، تحصن کردند و هرازگاه تظاهرات و دموکراسیون‌های خودانگیخته و کوچکی هم تشکیل می‌دادند. جلب حمایت اقشار گسترده کارگران و حرفه‌های متنوع آنها را به ادامه مبارزه و رأی برای ادامه اعتصاب ترغیب نمود. جنبش بی‌سابقه کارگران توانست بوروکراسی موجود در کنفدراسیون را مجبور کند به حمایت از آنها اقدام عملی کرده و یک ساعت ترک کار در تمام صنایع در سراسر کشور و قرار یک اجتماع سراسری در آنکارا در روز 17 ژانویه اعلام نماید. در جریان این تجمع کارگران تریبون سخنرانی را اشغال کرده، خواستار یک اعتصاب عمومی شدند که در ترکیه در حقوق قانونی اتحادیه‌ها به رسمیت شناخته نشده است.

وقتی که مذاکرات بین دولت و کنفدراسیون ترک-ایش به بن‌بست رسید، بوروکراسی تحت فشار کارگران قرار گرفت و اقدام مشترک اتحادیه با سایر کنشگران کارگری و اتحادیه کارکنان دولتی به توافق رسیدند تا یک اعتصاب سراسری یک‌روزه برای همبستگی با کارگران تکل در روز چهارم فوریه اعلام شود. در عمل اما حتی یک فدراسیون کارگری، حتی کنفدراسیون چپ DISK و KES، حاضر نشد در این راه قدمی بردارد و در آن روز تنها تعطیل کار در برخی نقاط به صورت خودانگیخته دیده شد و اعتصاب سراسری فقط در حرف وقوع یافت، اما مبارزه اصلی در خیابان به وقوع پیوست. در تمام 81 مرکز نواحی در ترکیه تظاهرات و گردهمایی در حمایت از کارگران تِکِل برگزار شد و مجموعاً صد هزار نفر در این گردهمایی‌ها حضور یافتند. نمایش همبستگی علیرغم دشواری‌های بوروکراتیک دولت را مجبور کرد که قدم عقب بگذارد و به اصطلاح اصلاحات پیشنهادی بالا را متوقف نماید که در به هیچ وجه به درخواست‌های کارگری پاسخ نمی‌داد.

کمون سکریه

بعد از گردهمایی بزرگ 17 ژانویه کارگران اندک‌اندک در محله "سکریه" آنکارا که کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری در آن قرار داشت چادرهایی را بر پا داشتند که به مرور به یک اردوگاهی از چادر در طول چندین خیابان آن ناحیه تبدیل شد. کارگران در این چادرها تحصن‌های شبانه برگزار می‌کردند و در بین خود و کارگران سایر بخش‌ها میهمانان سوسیالیست و حتی ناظرین سازمان‌دهی نشده و عابران عادی بحث و تبادل نظر می‌کردند و برای روزهای بعد نقشه می‌کشیدند. صبح‌ها آرام‌تر بود چراکه کارگران مجبور بودند بعد از بیدار خوابی‌های شبانه کمی استراحت کنند. بعد از ظهر و عصر و شامگاه دوباره وقت آکسیون‌های متعدد بود و راهپیمایی با مشعل‌های فروزان، کمپ چادری سکریه به مکه مخالفین و معترضین تبدیل شده بود و نیروی بیداری طبقاتی عجیبی را در درون همه اقشار در جامعه ترک، مابین کارگران تکل و هم‌زمانشان برافراشته بود. همه چیز را به اشتراک گذاشته بودند از غذا تا محل خواب و تا ایدئال‌های موجود در آن شرایط. سوسیالیست‌هایی که از کودتای نظامی



۱۹۸۰ به بعد به وسیله دولت‌ها سرکوب شده و به دست جامعه به کنار زده شده بودند مانند ماهی در دریای کارگران شناور گشتند. اکثریت کارگران تکل که تا چندی قبل به شدت ضد کمونیست و چپ بودند، از حمایت سوسیالیست‌ها استقبال کردند و ایده‌های سوسیالیستی را به سرعت به عنوان موضوع بحث و تبادل نظر درون خویش پذیرفتند و به سرعت از احزاب میانه ترک که به طور سنتی در گذشته مورد حمایتشان بود فاصله گرفتند.

مضاف بر این، پیش‌داوری‌ها و تبعیضات موجود در کارگران ترک نسبت به کردها (که آن‌ها را تروریست و جدایی طلب می‌دانستند) در این دوران به مقدار زیادی رنگ باخت. در اوج مبارزه کارگران ترک حمایت رفقای کرد را پذیرا شدند و دشمنی‌ها جای خود را به رفاقت‌های سیاسی در رزم مشترک داد. نکته بااهمیت دیگری در تجمع‌های آنکارا حضور جمع کثیری از زنان کارگر بود. برای خانواده‌هایی با محافظه کاری مذهبی که حتی زنانی که در خارج خانه کار می‌کنند تحت کنترل شدید همسران یا مردان فامیل هستند، دیدن زنانی که از راه‌های دور به شهر آمده و در چادر با همکاران خود حشرونشر می‌کردند و حتی در چادر می‌خوابیدند تعجب آور و حتی قهرمانانه بود.

چشم‌انداز تحمل دولت ترکیه و آرامش پلیس سنتا خشونت‌آفرین کشور در برخورد با تظاهرات کارگران و تحصن آن‌ها در کمپ‌های چادری در سکریه غیرقابل باور بود، اگر مصمم بودن و جدیت جنبش در خواسته‌های کارگران تکل وجود نداشت. قدرت بازوی جمعی و قانونمندی مبارزه بود که باعث شد دولت جرئت نکند برای متفرق کردن کارگران و پاک‌سازی کمپ متحصنین دست به کار شود، که عملاً از نظر نظامی برای پلیس کار ساده‌ای بود، به ویژه با دشواری‌هایی که بوروکراسی اتحادیه‌ها به کارگران تحمیل می‌کرد. این آن چیزی است که ما آن را کمون سکریه نام گذاشته‌ایم، فضای آزادی و قیام که برای چهل روز در شکل تحصن در چادر و ۷۸ روز در جمع ادامه یافت.



کار، آزادی، صلح



برگهایی از تاریخ جنبش سندیکایی ایران - ۱۱ گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



بعد از کودتا ۲۸ مرداد و سرکوب شورای متحده مرکزی همچنان که در قسمت قبلی اشاره کردیم، هجوم تبلیغاتی و عملیاتی علیه اتحادیه و فعالیت‌های اتحادیه‌ای توسط حکومت برآمده از کودتا تشدید شد. اما حکومت به سرکوب شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران بسنده نکرد و اکثر احزاب ملی‌گرا را که در سال‌های ۳۰ تا ۳۲ هم در یک ائتلاف نانوشته با دربار علیه شورای متحده مرکزی شرکت کرده بودند را نیز با استناد به قانون سیاه مصوب ۱۳۱۰ که برای جلوگیری از فعالیت اتحادیه‌ها و احزاب چپ تهیه شده بود ممنوع فعالیت کرد! در سال ۱۳۳۶ که هنوز بازار سرکوب گرم بود، اقبال پس‌ازآنکه به نخست‌وزیری رسید، نفرت خودش را از فعالیت اتحادیه‌ای با گفتن "من از این واژه "اعتصاب" که به عقیده وی حزب توده وارد زبان فارسی کرد آشکار کرد و گفت نمی‌خواهد در دوره نخست‌وزیری‌اش چیزی از اعتصاب بشنود.

باین‌حال شمار اعتصابات کارگری که برای مدت کوتاهی قبل از نخست‌وزیری "اقبال" به واسطه حدت سرکوب‌ها کاهش یافته بود به خاطر افزایش قیمت‌ها درست در زمانی که وی نمی‌خواست، چیزی راجع به "اعتصاب" بشنود، رو به افزایش نهاد! به نوشته "آبراهیمیان" بین سال‌های ۳۶-۴۰ بیست اعتصاب کارگری شکل گرفت. اعتصاب معلمان در اردیبهشت ۱۳۴۰ که در پی اعتراض به لایحه "میزان پرداخت حقوق" شروع و به مدت ۱۱ روز و تا سقوط دولت شریف امامی ادامه یافت، بیشک مهم‌ترین اعتصاب پس از کودتا بود. در تظاهرات بسیار وسیعی که با شرکت معلمان در مقابل مجلس شورای ملی انجام گرفت، ابوالحسن خاندلری کشته شد. بدین ترتیب معلمان برخلاف انتظار و آرزوی "اقبال" نه تنها اعتصاب کردند، بلکه برای رسیدن به خواسته‌هایشان تا پای جان هم ایستادگی نمودند.

آن‌طور که از نوشته "آبراهیمیان" برمی‌آید اصلاحات ارضی و آنچه از آن به‌عنوان "انقلاب سفید" یاد می‌شود درواقع به‌واسطه بحران اقتصادی و فشار "کندی" که دادن کمک‌های اقتصادی آمریکا را مشروط به انجام اصلاحات لیبرالی کرده بود، و از روی ناچاری انجام گرفته بود. در سال ۴۲ اعتصابات کارگری بازهم بیشتر شد و بار دیگر ثابت شد که مطالبات و اعتصابات کارگری را نمی‌شود حتی با زور سرنیزه و کودتا و کشتار و حبس کردن رهبران سازمان‌های کارگری برای مدتی طولانی از میان برداشت. البته وجود این تجربیات باعث نمی‌شود که سرمایه‌داران و دولت‌های سرمایه‌داری از آن‌ها درس بگیرند و در رفتارشان با کارگران تجدیدنظر کنند. همچنان که جمهوری اسلامی نیز درس نگرفته و ۴۰ سال است با تمام تفاوت‌هایی روپنایی که با رژیم شاه دارد، نعل به نعل همان سیاست‌ها را بلکه با خشونت بیشتری علیه کارگران و سندیکاهای کارگری دنبال می‌کند. یقیناً چنین رژیم‌هایی سرنوشتی بهتر از هم نخواهند داشت. توسعه صنعتی و رشد اقتصادی به همراه وعده‌هایی که شاه بعد از سرکوب اعتراضات گسترده سال ۴۲ داد از یک‌سو و رونق اقتصادی از سوی دیگر که اشتغال زیادی ایجاد کرد و جایجایی نسلی در ترکیب طبقه کارگر که بعد از اصلاحات ارضی صورت گرفت مجموعاً موجب کاهش شمار اعتصابات کارگری تا سال ۱۳۵۴ گردید. درواقع در اثر توسعه صنعتی و بهبودهایی که در دستمزد و شرایط کاری کارگران بخصوص در واحدهای بزرگ و تازه تأسیس و افزایش درآمدهای نفتی صورت گرفت زمینه اعتصابات کارگری هم کمتر شد. در طی یک دهه غالب اعتصابات در کارخانه‌های قدیمی خصوصی که صاحبانشان تلاش می‌کردند مناسبات ظالمانه دهه ۲۰ را با کمک ساواک و شهربانی و ژاندارمری محفوظ نگاه‌دارند، انجام شد. یکی از نمونه برجسته این‌گونه کارخانه‌ها کارخانه چیت



سازی در کاروانسرا سنگی و نزدیک کرج بود که در پی اعتصابی که در آنجا صورت گرفت ژاندارمها تعدادی از کارگران اعتصابی را با حمله به آنها به قتل رساندند.

از سال ۵۴ به بعد با جدی شدن بحران اقتصادی بار دیگر اعتصابات کارگری رو به رشد نهاد و دامنه آنها تا مؤسسات نفت که کارگانشان از امتیازات بیشتری نسبت به کارگران دیگر داشتند ابتدا پیدا کرد.

*در هفته آینده برگ‌های دیگری را مرور می‌کنیم.



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

مبارزه برای آزادی کارگران و معلمان زندانی را تشدید کنیم!